

جامع‌ترین طومار نقالی شاهنامه

دکتر سجاد آیدنلو، دانشیار دانشگاه پیام نور ارومیه، در یادداشتی ضمن معرفی شاهنامه نقالان (طومار مرشد عباس زریری اصفهانی) که به همت دکتر جلیل دوستخواه منتشر شده به بررسی این اثر و ارائه پیشنهاداتی در خصوص ویرایش و چاپ آن پرداخته است. در ادامه این یادداشت را می‌خوانید:

مرحوم مرشد عباس زریری اصفهانی (زاده ۱۲۸۸ ه.ش در اصفهان - درگذشته ۱۳۵۰ ه.ش در همان شهر) یکی از چیره‌دست‌ترین نقالان معاصر بود که سی‌وهفت سال پیوسته هر روز عصر در کافه گلستان خیابان چهار باغ اصفهان با شور و مهارت تمام نقالی می‌کرد. میراث ارزشمند این مرشد، دست‌نویس طوماری است در نه‌صد و نود و نه صفحه که به نوشته خود ایشان هجده سال صرف نوشتن آن شده است. شادروان زریری این طومار را «کتاب نثر شاهنامه» و «زریری‌نامه» نامیده است. (۱) این نسخه مهم و مفصل از طومارهای نقالی به کوشش پرزحمت و ویراستاری طولانی‌مدت دکتر جلیل دوستخواه، شاهنامه‌شناس اصفهانی ساکن استرالیا، و با همت تحسین برانگیز نشر ققنوس در زمستان سال ۱۳۹۶ در پنج جلد با نام شاهنامه نقالان منتشر شد. (۲) با توجه به حجم و تفصیل داستان‌های این طومار که حدود سه هزار و هشتصد صفحه و تقریباً یک‌میلیون واژه است (۳) آن را باید فعلاً جامع‌ترین طومار نقالی شناخته و چاپ شده بدانیم.

متن چاپی طومار مرشد زریری اصفهانی که دکتر دوستخواه آن را شاهنامه نقالان نام گذارده‌اند، با پیشگفتار ویراستار ارجمند (دکتر دوستخواه) درباره مهم‌ترین طومارهای چاپ‌شده، مقایسه کوتاه طومار کنونی با طومار هفت لشکر و گزارشی از چگونگی آماده‌سازی و انتشار کتاب آغاز می‌شود (ر.ک: صص ۱۱-۱۷). تاریخ نگارش این پیشگفتار شانزدهم مهر (مهرگان) سال ۱۳۹۳ است. پس از آن دکتر دوستخواه مقدمه‌ای (صص ۱۹-۳۲) در معرفی مرشد زریری، زندگی‌نامه ایشان و بررسی پاره‌ای ویژگی‌های روایات طومار نوشته‌اند. سپس برگزیده‌ای از سخنان روان‌شاد زریری درباره سرگذشتشان و فن نقالی آمده (صص ۳۳-۴۱) و در پایان نیز تصاویری از مرشد زریری و صفحات نسخه طومار ایشان چاپ شده است (صص ۴۲-۵۰).

محتوا/ متن داستان‌های طومار مرحوم زریری با فهرست سلسله‌های شهریاری ایران پیش از اسلام در سنت روایی آغاز می‌شود و بعد، از پادشاهی گیومرث تا پایان پادشاهی دارا و کشته شدن او در نبرد با اسکندر را در بر می‌گیرد. این محدوده داستانی - که شامل بخش‌های به‌اصطلاح حماسی - اساطیری روایات ایرانی و پیش از دوره تاریخی است - در اغلب طومارهای جامع دیگر هم دیده می‌شود؛ اما در طومار مرشد زریری

در این ساختار داستانی (دو سلسله پیشدادیان و کیانیان) روایت‌های متعدد و متنوعی آمده که بعضی از آن‌ها یا اصلاً در طومارهای تاکنون شناخته شده نیست و یا با این تفصیل و جزئیات به نظر نمی‌رسد.

در انتهای گزارش هر پادشاهی یا داستان، نخست یادداشت‌های خود مرحوم زریری درباره بعضی نکات داستان‌ها (۴) و بعد توضیحات دکتر دوستخواه آمده که غالباً درباره معنای برخی لغات، اصطلاحات، ترکیبات، تعبیر و عبارات متن و ذکر نشانی بیت‌های منقول از شاهنامه در تصحیح دکتر خالقی مطلق (یا چاپ‌های بنیاد شاهنامه، مسکو و ژول مول) با اشاره به برخی اختلاف ضبط‌هاست. همین‌جا باید یادآور شد که نشانی ابیات شاهنامه فقط در یادداشت‌های سه جلد نخست طومار داده شده و در یادداشت‌های ویراستار در مجلدات چهارم و پنجم این کار انجام نشده است.

نثر / انشای شاهنامه نقّالان به دلیل تولّد و تربیت مرشد زریری در دوره قاجار چنان‌که دکتر دوستخواه نیز در مقدمه خویش (ص ۲۵) نوشته‌اند، آمیزه‌ای است از سبک نثر قاجاری با زبان اداری و کوچه و بازار سده اخیر که در آن لغات عربی (گاهی حتی واژه‌های شاذ و منشیانه)، واژه‌های فارسی، لغات ترکی، انگلیسی و فرانسوی دخیل در زبان فارسی و معدودی از کلمات گویشی اصفهان (فارسی اصفهانی) در کنار هم نشسته است. در تحریر مرحوم زریری بعضی لغات، ترکیبات و تعبیرات خاص داستان‌های نقّالی (اصطلاحات نقّالان) هم به کار رفته که شماری از آن‌ها در فرهنگ‌های فارسی و متون رسمی نیامده است و نگارنده در مقاله دیگری درباره آن‌ها بحث خواهد کرد. برای نمونه «سارنج» و «کُهر» به معنای نوعی رزم‌افزار، «سیه طوسی» به معنای گونه‌ای کمان و «میمان‌کوب» در معنی میل آهنی که بر سر آن گوی پولادی نصب شده باشد.

از فواید چاپ و سپس بررسی طومارها/ روایات نقّالی یکی هم به دست آمدن نکته‌های داستانی (حماسی، اساطیری، عامیانه) مذکور در آن‌هاست. در طومار مرشد زریری به جهت تفصیل و تعدد روایت‌ها نکات و اشارات جالبی یافته می‌شود که در اینجا به یک نمونه می‌پردازیم. در شاهنامه هنگامی که رستم اسب ویژه خویش را از میان رمه می‌گیرد، از چوپان می‌پرسد که این کره از آن کیست؟ فسیله بان می‌گوید:

خدواند این را ندانیم کس همی رخس رستمش خوانیم و بس (۵)

در این بیت نکته این است که چوپان چگونه بدون اینکه رستم را بشناسد از پیش کره‌ای را در بین اسبان «رخس رستم» نامیده است؟ دکتر امیدسالار چند سال قبل به این موضوع پرداخته و پاسخ را در روایت ارمنی «رستم زال» یافته‌اند که چوپان می‌گوید روزی اسبی از دریا بیرون آمد و با مادیانی جفت شد و در حال بازگشت به دریا گفت کره‌ای را که از این مادیان زاده خواهد شد فقط به رستم زال بدهید. (۶) در طومار مرشد زریری نیز به نوعی دیگر به این نکته توجه شده که در کنار آن روایت ارمنی برای بررسی و توضیح بیت شاهنامه مهم است. در اینجا رستم از گله بان می‌پرسد «این اسب از آن کیست که داغ ندارد؟»

فیروز رمه‌بان معروض داشت صاحب او را ندانیم ولی رخس رستمش خوانیم. پرسید این نام را که بر او نهاده است؟ عرض کرد بر اثر ضررهایی که مادیان و کره‌اش وارد آوردند، شبی من به چوپانان دستور دادم که فردای آن شب هر دو را تیرباران کنند. چون به خواب رفتم در عالم رؤیا شهریاری مرا فرمود این رخس رستم است او را بداری تا صاحبش پیدا شود. از آن زمان به این نام نامیده شد. بسیاری از بزرگان عالم حاضر شدند که او را به بهای زیاد ابتیاع نمایند اما قبول نکردم» (ج ۲، ص ۱۳۷۶).

در طومار مرحوم زیریری گاهی بیان شفاهی و لحن ناشی از اجرای روایات در میان جمع، در نگارش متن مکتوب هم تأثیر گذاشته که ویژگی بسیار درخور توجهی است و در سایر طومارهای نقلی تا جایی که نگارنده به یاد دارد به این صورت نمایان دیده نمی‌شود. برای نمونه به نحوه نوشتن واژه «دیو» در این جمله دقت کنید که تلفظ لکنت دار آن را که به دلیل ترس فراوان است منعکس می‌کند «... یک مرتبه با لهجه الکن فریاد زدند: ده ده دیو و هجوم آوردند» (ج ۲، ص ۱۰۹۴). این صحنه هم در توصیف چگونگی نرم شدن شیرویه زیر زخم گرز گاوسر گرشاسپ متأثر از نقل شفاهی است که به نثر متن راه یافته «سپر خورد بالای خود، خود تپید در سر، سر بالای گردن، گردن بالای سینه، سینه بالای شکم، شکم بر کلاته، کلاته بر کلاته‌نشین و بر دو سرین و زین مرکب، مرکب تحمل آن سنگینی نتوانست کردن» (ج ۲، ص ۸۴۵).

مدوتان و راویان داستان‌ها/ طومارهای نقلی برای اینکه مخاطبان این نوع روایات را بیشتر با خود همراه و همدل سازند در مواردی عقاید، عناصر و اصطلاحات زمان و مکان تدوین یا نقل داستان‌ها را در آن‌ها وارد کرده و اصطلاحاً معاصر سازی کرده‌اند. این ویژگی در بعضی از جاهای طومار مرشد زیریری هم هست. مثلاً معاصرت حضرت سلیمان (ع) و وزیر او آصف با کیخسرو و رستم و ارتباط آن‌ها با یکدیگر (ر.ک: ج ۵، ص ۳۲۴۶ و ۳۲۶۳ به بعد) یا رویارویی رستم با امام علی (ع) (ر.ک: ج ۵، صص ۳۲۶۸-۳۲۷۴) که به تأثیر از باورهای اسلامی و شیعی نقل و زمان و مکان تدوین و نقل روایت‌هاست.

نمونه جالب دیگر اینکه شادروان زیریری نوشدارو را که برخلاف دیگر روایت‌های ملی- پهلوانی ایران در طومار ایشان چند بار برای درمان زخم اشخاص مختلف استفاده می‌شود، همان سولفانیلامید ساخت آمریکا معرفی کرده‌اند (ر.ک: ج ۳، ص ۱۷۹۰). در بخش سام‌نامه هم وقتی وزیر از کنیزکی می‌پرسد امروز چه روزی است؟ جوابی که کنیز می‌دهد تاریخ زمان کتابت این داستان در طومار مرشد زیریری است: ۲۳ / ۱۱ / ۱۳۳۷. (ر.ک: ج ۲، ص ۱۱۵۳).

مرشد زیریری متأثر از سنت یکسان‌نگاری کسان حماسی- اساطیری داستان‌های ایرانی با اشخاص تاریخی، بعضاً در لابه‌لای داستان‌ها چنین تطبیق‌هایی انجام داده‌اند. برای نمونه در گزارش نبرد افراسیاب با کیقباد نوشته‌اند «فرامین خاوری... از آستیاگ پادشاه ماد- که همان افراسیاب باشد- رخصت گرفته رفت در میدان ... از لشکر کبوجیه اول- که همان کیقباد باشد- مبارز طلب کرد» (ج ۳، ص ۱۵۹۱).

در طومار مرحوم زریری چنان‌که در برخی دیگر از طومارها هم می‌بینیم ابیاتی از شعرای مختلف (فردوسی، سعدی، قآنی و...) در میان روایت مثنوی داستان‌ها آمده است. در این بین گاهی بیت‌هایی به بحر متقارب هست که دقیقاً با داستان ارتباط دارد ولی آن بیت/بیت‌ها در حدود بررسی‌های نگارنده از ابیات اصلی یا الحاقی شاهنامه و منظومه‌های پهلوانی تا امروز چاپ‌شده، نیست و احتمالاً یا سروده خود مرشد زریری است و یا از منبع/منابع طومارشان در متن وارد شده است. برای نمونه «پیران آنچه را لازم این فتنه بود به کار برد.

دمید آتشی اندر آن کارزار / که شعله‌ش سنان بود و خنجر شرار

همان کک برون رفت مانند دود / ز آسیب رخساره مه شخود» (ج ۱، ص ۴۸۱)

همان‌گونه که گفتیم نسخه طومار نقالی مرشد زریری به کوشش دکتر دوستخواه چاپ شده است. این کار حاصل پنجاه سال زحمت و همت دکتر دوستخواه است و ایشان که از سال ۱۳۴۳ مشغول گردآوری و ویرایش روایت‌های طومار مرحوم زریری اصفهانی بوده‌اند، سرانجام صورت نهایی کار را در سال ۱۳۹۳ آماده کرده‌اند. البته در این فاصله داستان رستم و سهراب این طومار به شکل کتابی مستقل (تهران: توس، ۱۳۶۹) و یکی دو داستان آن نیز در قالب مقالاتی به سعی خود دکتر دوستخواه چاپ شده است. (۷)

طومار نقالی مرشد زریری به ویرایش دکتر دوستخواه نخست قرار بود از سوی نشر کارنامه منتشر شود اما نهایتاً انتشارات ققنوس آن را به شکلی بسیار مطبوع و آراسته چاپ کرد که باید سپاسگزار زحمت و دقت این ناشر خوش‌نام بود. ابتکار خوب و سودمند نشر ققنوس در چاپ این طومار نقالی این است که در کنار متن مفصل و پنج جلدی کتاب، لوح فشرده‌ای نیز عرضه کرده که صدای ضبط‌شده یکی از مجالس نقالی مرحوم زریری ظاهراً در اواخر دهه چهل در خانه جوانان اصفهان است و در آن خلاصه‌ای از داستان رستم و سهراب را اجرا کرده‌اند. این نوار- که با بهتر کردن کیفیت به لوح فشرده تبدیل شده- گویا تنها یادگار صوتی از برنامه‌های نقالی مرشد زریری و از این‌روی بسیار مغتنم و شنیدنی است.

نگارنده با نهایت احترام به نیم‌قرن کوشش دکتر دوستخواه برای آماده کردن جامع‌ترین و مفصل‌ترین طومار فعلاً موجود و زحمات فنی نشر ققنوس برای چاپ دلپسند و خوش‌خوان این متن سه هزار و هشتصد صفحه‌ای- که در شرایط کنونی فروش کتاب، به‌راستی شیردلی است- نکات و پیشنهادهایی را به حضور ارجمند ویراستار دانشمند و ناشر محترم تقدیم می‌کند.

۱. ویراستار گرامی در پیشگفتار خویش (ص ۱۲) در معرفی طومارهای بازمانده از نقالان، غیر از طومار مرشد زریری فقط از دو طومار هفت لشکر (کتابت ۱۲۹۲ ه.ق، چاپ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷) و طومار نقالی شاهنامه (کتابت ۱۱۳۵ ه.ق، چاپ تهران: به‌نگار، ۱۳۹۱) نام برده‌اند؛ اما خوشبختانه جز این دو طومار، دست‌نویس‌ها و مجموعه‌های دیگری از طومارهای نقالی نیز از دوره

قاجار و پهلوی به دست ما رسیده که بعضی چاپ شده و بعضی هنوز به صورت نسخه خطی است از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به: رستم‌نامه (کتابت ۱۲۴۵ ه.ق، چاپ مشهد: به‌نشر، ۱۳۹۶)، رستم‌نامه (نسخه مورخ ۱۲۴۵ و ۱۲۶۷ ه.ق کتابخانه ملک)، رستم‌نامه (نسخه مورخ ۱۳۲۱ ه.ق کتابخانه مجلس)، شاهنامه نثر نقالی (شیراز: سیوند: ۱۳۹۴)، طومار کهن شاهنامه (تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۴)، مشکین‌نامه (تهران: نمایش، ۱۳۷۹) و طومار شاهنامه فردوسی (۲ ج، تهران: خوش‌نگار، ۱۳۸۱) اشاره کرد.

۲. ویراستار محترم ضبط بیت‌های شاهنامه را که در طومار مرشد زیریری آمده است، بر پایه شاهنامه تصحیح دکتر خالقی مطلق و در داستان رستم و سهراب طبق تصحیح بنیاد شاهنامه (زیر نظر مرحوم استاد مینوی) تغییر داده‌اند درحالی‌که باید همان نگاشته نسخه طومار (روایت مرشد زیریری) حفظ می‌شد زیر هدف از انتشار این طومار- و هر طومار دیگری- در اختیار داشتن عین گزارش‌های منتور و منظوم نقال (اینجا: مرشد زیریری) است و آگاهی از ضبط بیت‌های شاهنامه در اصل دست‌نویس طومارها در تحقیقات متن‌شناختی حماسه ملی ایران و بررسی انواع تصرفات نقالان در ابیات شاهنامه یاری‌رسان است.

۳. موضوع پیشین به‌گونه‌ای دیگر نیز در ویرایش طومار دیده می‌شود و آن حذف بعضی بیت‌هایی است که مرشد زیریری به نام فردوسی و از شاهنامه نقل کرده‌اند اما در تصحیح دکتر خالقی مطلق یا به نظر دکتر دوستخواه الحاقی است (برای نمونه، ر.ک: ج ۱، صص ۷۳، ۷۴ و ۱۱۸؛ ج ۳، ص ۱۶۵۹). در این مورد هم آوردن آن بیت‌ها به کار محققانی می‌آید که به پژوهش در ابیات افزوده بر نسخ و چاپ‌های شاهنامه می‌پردازند.

۴. ویراستار ارجمند بعضی صورت‌های به‌کاررفته در نثر طومار/ تحریر مرشد زیریری را به دلیل نادرستی آن‌ها و مغایر بودن با قواعد نگارش فارسی اصلاح کرده‌اند. مثلاً «جنگلات» (ج ۱، ص ۶۴) به «جنگل‌ها»، «زنیّت» (ج ۱، ص ۷۹) به «زنی» و «کرداراً» (ج ۲، ص ۱۳۱۱) به «به کردار». در اینجا هم حفظ اصل کاربرد نقال- هرچند غلط یا غلط مشهور- برای تحقیق در سبک نثر طومار ضروری است.

۵. یکی از ویژگی‌های طومارها و روایات نقالی، تصرف در برخی نام‌های خاص (کسان و جای‌ها) و تغییر و تفاوت آن‌ها نسبت به گزارش‌های رسمی شاهنامه، منظومه‌های پهلوانی و مآخذ تاریخی و ادبی است. (۸) این خصوصیت در طومار مرشد زیریری هم هست ولی ویراستار گرامی همه این نوع اسامی تغییر یافته را بر اساس ضبط شاهنامه یا متون رسمی اصلاح کرده‌اند که باز باید با همان وجه مضبوط در نسخه طومار نوشته شود. مثلاً: کودرز (۱/ ۵۲۳)، گروه‌خان (۲/ ۱۴۶۶)، شیدوش و خزروان (۲/ ۱۴۶۸)، گرای‌زره (۳/ ۱۸۷۳) و هماوند (۴/ ۲۶۱۹) که نویسنده متفاوت طومار است. در تأیید این نکته که چنین صورت‌هایی در طومارها ضبط اصلی است و نباید تغییر داده شود؛ اشاره می‌شود که وجه «هماوند» به جای «هماون» در طومار هفت لشکر هم چند بار به کار رفته است. (۹)

۶. نام فرزند کورنگ و نیای گرشاسپ در این طومار، طورک (Turak) خوانده و حرکت‌گذاری شده است (ر.ک: ج ۱، صص ۲۵۱ و ۲۹۵). اگر این تلفظ مربوط به نسخه طومار و از مرشد زیریری باشد، باید به همین صورت نوشته شود؛ اما اگر در دست‌نویس طومار بدون حرکت‌گذاری «طورک» نوشته شده است، پیشنهاد می‌شود این نام را طُورگ (Tovorg) بخوانیم. با اینکه در برهان قاطع «طورک» بر وزن «خوبک» آمده (۱۰) به دلیل هم‌قافیگی این نام در گرشاسپ‌نامه با واژه‌های «بزرگ» و «سترگ» (۱۱) خوانش پیشنهادی مرجح است. در شاهنامه نیز این نام - البته در اطلاق بر کسان دیگری جز از نیای گرشاسپ - «طُورگ» خوانده می‌شود.

۷. پس از کشته شدن ایرج به دست برادران، ایرانیان «اسب ایرج را یال و دم بریده برو سیاه گرفتند و علم‌های سیاه ترتیب داده...» (ج ۱، ص ۲۸۳). دکتر دوستخواه در یادداشت‌های خویش درباره «برو» در این جمله نوشته‌اند «چنین است در دس [یعنی دست‌نویس طومار] آیا «بُرد» بوده که نام پارچه‌ای است... و به سهو قلم «برو» شده؟» (ج ۲، ص ۱۰۰۵، یادداشت ۷۵). ضبط «بر او» در نسخه طومار درست و مرجع آن «اسب ایرج» در همان جمله است. «سیاه گرفتن» نیز به معنای «سیاه پوشاندن / کشیدن» است و باز در طومار به کار رفته (مثلاً، ر.ک: ج ۱، ص ۲۸۶).

۸. ویراستار دانشمند نام «قباد» را با فتح «ق» حرکت‌گذاری کرده‌اند (ر.ک: ج ۱، ص ۳۶۹) که گرچه با توجه به صورت‌های اوستایی و پهلوی این اسم درست است به سبب تلفظ سَنّتی و متداول «قباد» به ضم «ق» در سنت نقالی و شاهنامه‌خوانی پیشنهاد می‌شود همین وجه اخیر در متن طومار آورده شود که خوانش مرشد زیریری و دیگر نقالان هم بوده و هست.

۹. درباره جمله «گلم کین» که در دو جای طومار به کار رفته است (ر.ک: ج ۱، ص ۴۴۷ و ج ۲، ص ۱۳۳۲) نوشته‌اند «چنین است در دس [دست ویس طومار] اما گویا «گل کیم سن» درست باشد به معنی «بیا ببینم کیستی؟» (ج ۱، ص ۱۰۱۲، یادداشت ۱۹۹؛ ج ۲، ص ۱۴۱۴، یادداشت ۶۹). این جمله ترکی است و صورت اصلی و درست آن «گلن کیم» است یعنی: «ای کسی که می‌آیی کیستی؟»

۱۰. در گزارش «سخن گفتن منوچهر شاه با سام و بزرگان ایران» چند بیت از شاهنامه آمده که بیت سوم چنین است:

همم دین و هم فرّه ایزدی همم بخت نیکی و وست بدی (ج ۲، ص ۱۲۴۱)

مرحوم زیریری در اینجا درباره «وست» توضیحی نوشته‌اند که همان «وستی» به معنای «تفسیر و ترجمه» است (ر.ک: ج ۲، ص ۱۴۰۰، یادداشت ۶۳). پیشنهاد می‌شود ویراستار محترم در این باره و برای آگاهی خوانندگان طومار یادداشتی بیفزایند که ضبط درست کلمه در شاهنامه «دست» است (همم بخت نیکی و دست بدی) و «وست» در نسخه‌بدل‌ها هم نیامده (۱۳) و اصلاً از واژه‌های فردوسی نیست.

۱۱. مرشد زیریری در داستان «رستم و هژبر دریایی» این بیت را آورده‌اند «به پیش زنان راز هرگز مگوی / چه گفתי سخن بازایی به کوی» (ج ۲، ص ۱۳۷۰). دکتر دوستخواه درباره این بیت نوشته‌اند «این بیت در کشف‌الایات شاهنامه رهنمودی ندارد و احتمال زیاد می‌رود که از دست‌افزوده‌ها باشد» (ج ۲، ص ۱۴۱۹، یادداشت ۱۳۳). اما بیت مذکور با اندکی تفاوت در ضبط از داستان رستم و اسفندیار است، آنجا که اسفندیار از پندهای مادر برآشفته می‌شود و می‌گوید:

که پیش زنان راز هرگز مگوی / چو گویی سخن بازایی به کوی (ویرایش دوم دکتر خالقی، ۱۳۶ / ۲ / ۳۹)

۱۲. ویراستار گرامی در توضیح نادرستی جمله‌ای از مرشد زیریری که اسدی را استاد فردوسی دانسته، خود سال درگذشت حکیم طوس را (۴۱۰ ه.ق) نوشته‌اند (ر.ک: ج ۲، ص ۱۴۱۳، یادداشت ۵۳). این تاریخ که در یکی دیگر از نوشته‌های دکتر دوستخواه هم آمده است، (۱۴) در هیچ یک از مآخذ قدیم و جدید نیست و غیر از دو سال معروف ۴۱۱ و ۴۱۶ ه.ق دو تاریخ ۴۱۹ و ۴۲۱ ه.ق برای درگذشت فردوسی در بعضی منابع دیده می‌شود. (۱۵) طبق جدیدترین پژوهش فردوسی احتمالاً در یکی از ماه‌های ربیع‌الثانی یا جمادی‌الاول سال ۴۱۶ ه.ق وفات کرده است. (۱۶)

۱۳. در توضیح این جمله «و همی شکر می‌کرد که رستم در ارگ نیست» (ج ۲، ص ۱۴۲۹). می‌خوانیم «همی» در این جمله زاید است و نقشی ندارد مگر آنکه آن را تأکیدی اضافی برای «می‌کرد» بگیریم» (ج ۲، ص ۱۵۱۱، یادداشت ۱۳). بخش دوم این توضیح درست است و «همی» یا «می» در آثاری نظیر ترجمه تفسیر طبری، تفسیری بر عشری از قرآن مجید، قصص‌الانبیای نیشابوری، اسرارالتوحید و... به همراه «می» استمراری فعل به کار رفته که به معنای «پیوسته» است و نقش قید تأکید دارد. (۱۷)

۱۴. در زورآزمایی رستم و قلون، تهمتن دست پهلوان تورانی را به دست می‌گیرد و نامش را می‌پرسد. به روایت طومار پهلوان تورانی «خواست بگوید قلون که رستم فشار آورد. او گفت منیم ق ... و نعره‌ای زد و از هوش رفت» (ج ۳، ص ۱۵۳۹). درباره جمله ناتمام مانده ویراستار ارجمند این یادداشت را افزوده‌اند «می‌خواسته است بگوید «منیم قلون» (یعنی «من قلون هستم») اما به سبب شدت درد حرفش ناتمام مانده است» (ج ۳، ص ۱۶۱۵، یادداشت ۱۲). با توجه به اینکه دو سطر پایین‌تر در طومار از شکسته شدن دست قلون بر اثر شدت نیروی رستم سخن رفته است نگارنده پیشنهاد می‌کند که جمله ناقص را به صورت «منیم قولوم» بخوانیم. «قولوم» در ترکی یعنی «دستم» و در اینجا قلون به دلیل فشار دست رستم می‌خواسته فریاد بزند: «وای دستم» که نمی‌تواند و بی‌هوش می‌شود و بعد می‌بینیم که دستش شکسته است. اگر قصد او گفتن نامش بود باید به جای «منیم» به معنای «از آن من، مال من» می‌گفت «منم من هستم».

۱۵. در داستان دیدار رستم و کیقباد در البرز کوه مرحوم زیریری چند بیتی از تشبیب یک قصیده قانی را آورده‌اند. بیت پایانی در طومار چنین است:

گفتا بتا نگارا سروا مها بهارا / کافی است چین زلفت بگشا ز چهره چین را (ج ۳، ص ۱۵۴۱)

دکتر دوستخواه درباره «گفتا» نوشته‌اند «در متن دست‌نوشته «گفتم» آمده است و من «گفتا» را به قرینه «دیدم» در بیت یکم به جای آن گذاشتم» (ج ۳، ص ۱۶۱۵، یادداشت ۱۵). صورت درست در دیوان قآنی همان «گفتم» در نسخه طومار است (۱۸) و نباید تغییر داده شود. در بیت مطلع هم در دیوان «دیدم» آمده که مطابق با «گفتم» در بیت مورد بحث است. ضمناً ضبط مصراع نخست بیت آغازین نیز در دیوان قآنی با نویسش طومار متفاوت و به این صورت است: در خواب دوش دیدم آن سرو راستین را (دیوان قآنی، ص ۴۰).

۱۶. در این بیت از شاهنامه در خان چهارم رستم:

بینداخت از باد خم کمند / سر جادوی آورد ناگه به بند (ج ۳، ص ۱۶۴۳)

«از باد» را با ارجاع به فرهنگ فارسی شادروان دکتر معین «از سر اتفاق» معنا کرده‌اند (ر.ک: ج ۳، ص ۲۱۷۰، یادداشت ۴۵). «از باد» در این بیت و ابیات دیگر شاهنامه به معنای «به سرعت و با چالاکی» است. (۱۹)

۱۷. در روایت «تیراندازی طوس در بارگاه اذقال» نقل این چهار بیت را به نام فردوسی آورده است:

ستون کرد چپ و خم آورد راست / خروش از خم چرخ چاچی بنخواست

چو سوارش آمد به پهنای گوش / ز چرم گوزنان برآمد خروش

سه پر عقاب و دو زاغ کمان / شده جمع آن هر دو در یک زمان

نهادند سر بر سر دوش هم / ندانم چه گفتند در گوش هم (ج ۳، ص ۱۶۸۹)

ویراستار محترم در یادداشت‌ها نوشته‌اند «این بیت‌ها در دست‌نوشته‌های کهن شاهنامه نیامده و به احتمال زیاد از فردوسی نیست» (ج ۳، ص ۲۱۷۷، یادداشت ۱۴۹). بیت‌های سوم و چهارم از فردوسی نیست ولی بیت اول و دوم - با تفاوت‌هایی در ضبط - از نبرد بهرام چوین به ساوه شاه است (۲۰) که در بعضی از نسخ و چاپ‌های شاهنامه در نبرد رستم و اشکبوس هم آمده و در واقع در آنجا الحاق افزوده شده است.

۱۸. در اواخر نبردهای کین خواهانۀ کیخسرو با افراسیاب که شهریار توران شکسته و درمانده شده است پیران به او سفارش می‌کند که با نزدیکانش در کنگدژ سیاوش پناه بگیرد. افراسیاب می‌پرسد «اگر شما شکست خوردید و دشمن کنگدژ را محاصره کرد چه کنم؟ پیران می‌گوید دگر آنجا با سیاوش است» (ج ۵، ص ۳۳۸۶). ویراستار محترم درباره جمله پیران نوشته‌اند «مقصود از این سخن پیران روشن نیست. آیا می‌خواهد بگوید که در آنجا خونخواهی کیخسرو برای سیاوش تعیین‌کننده سرنوشت است؟» (ج ۵، ص ۳۴۶۳، یادداشت ۳۰). در ادامه داستان در طومار می‌خوانیم که در زمان محاصره شدن کنگدژ، افراسیاب به

آرامگاه سیاوش ملتجی می‌شود و شب‌هنگام سیاوش را به خواب می‌بیند که هم جای خوراکِ پنهان در دژ را به او نشان می‌دهد و هم نقبی را که افراسیاب سرانجام از آنجا می‌گریزد (ر.ک: ج ۵، ص ۳۳۸۶). بر این اساس احتمالاً منظور پیران از آن جمله این است که: دیگر در آنجا (کنگ‌دژ) چاره‌کار با سیاوش است و او باید به یاری بیاید که می‌بینیم این گونه هم می‌شود.

۱۹. ناشر محترم با حُسن سلیقه و انتخاب، بر روی جلدِ هر پنج دفتر طومار یکی از نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای را چاپ و در صفحه‌شناسنامه جلد نخست آن‌ها را معرفی کرده است ولی در این توضیحات جابه‌جایی و سهوی روی داده که باید در چاپ‌های بعدی اصلاح شود. نگاره روی جلد دوم، مجلس کشته شدن دیو سپید به دست رستم است که بزم کیخسرو معرفی شده. روی جلد سوم کشته شدن سهراب به دست رستم است که کشته شدن دیو سپید نوشته شده و روی جلد پنجم مجلس کیخسرو است و کشته شدن سهراب معرفی شده.

۲۰. چنین طومار مفصل و پرداستانی برای استفاده محققان نیازمند فهرست کامل و دقیق اعلام (کسان و جای‌ها) است که پیشنهاد می‌شود حتماً در چاپ بعدی به صورت جداگانه/ ذیل تهیه و چاپ شود تا دارندگان چاپ نخست نیز بتوانند آن را بخرند و استفاده بکنند. اگر در کنار این نمایه اعلام، فهرست ابیات و اشعار متن هم به شیوه‌ای که در متن مصحح برخی طومارها و آثار داستانی قدیمی می‌بینیم، تنظیم شود بر فواید تحقیقی کار افزوده خواهد شد.

در پایان سهوهای چاپی متن نیز- تا جایی که نگارنده دیده و یادداشت کرده- برای اصلاح در چاپ دوم آورده می‌شود: مغاری (۱/ ۱۸۷) ← مغاری؛ صُبِعَ (۲/ ۸۵۳) ← صُبِعَ؛ اشکال مصراع دوم بیت سوم (۲/ ۱۰۶۰) ← به تنگ شکر نرخ تنگ شکر؛ ۲۱ شکسته‌ثمن (۲/ ۱۰۶۰) ← شکسته‌سمن؛ قالب (۲/ ۱۰۹۳) ← غالب؛ بوده س (۲/ ۱۱۰۴) ← بوده است؛ غفا (۲/ ۱۱۲۶) ← قفا؛ بررسی (۲/ ۱۱۳۶) ← بررسی؛ یلی و تلی (۲/ ۱۲۲۴ و ۱۲۲۵) ← یلی؛ قریب و رواقی (۲/ ۱۴۱۵، یادداشت ۷۴) ← قریب و بهبودی؛ گوش‌ستبر (۲/ ۱۴۱۶، یادداشت ۹۲) ← گوش‌بستر؛ جنگ‌مغلوبه (۲/ ۱۵۱۴، یادداشت ۶۳) ← جنگِ مغلوبه؛ اندوه‌گان (۳/ ۲۲۹) ← اندوه‌گانان؛ باتمام (۳/ ۲۲۳۸) ← بالتمام؛ مبهوب (۵/ ۳۱۳۱) ← مبهوت؛ نیزاز (۵/ ۳۱۳۸) ← نیزار؛ مقوَّش (۵/ ۳۱۷۶) ← منقَّش؛ جُدی (۵/ ۳۱۷۷) ← جدی؛ دیگر (۵/ ۳۲۳۱) ← دگر؛ ازدهام (۵/ ۳۲۳۷) ← ازدحام؛ می‌نماد (۵/ ۳۳۷۰) ← می‌نمود؛ خُلُخ (۵/ ۳۵۲۰) ← خُلُخ.

شاهنامه نقّالان (طومار مرشد عباس زریری اصفهانی)، ویرایش: دکتر جلیل دوستخواه، تهران: ققنوس، چاپ اول، ۱۳۹۶، ج ۵، ۳۸۰۶ ص، ۴۵۰۰۰۰۰ ریال.

پانوش

۱. ر.ک: شاهنامه نقّالان (طومار مرشد عباس زیری اصفهانی)، ویرایش جلیل دوستخواه، (تهران: ققنوس، ۱۳۹۶)، ج ۱، صص ۱۹ و ۲۲ پیشگفتار.
۲. به مناسبت چاپ این طومار، مجله بخارا با همکاری انتشارات ققنوس مجلسی را با نام «شب شاهنامه نقّالان» در نهم اسفندماه ۱۳۹۶ برگزار کرد که در آن دکتر ژاله آموزگار، دکتر ابوالفضل خطیبی و نگارنده این سطور درباره این کتاب سخن گفتند.
۳. ر.ک: شاهنامه نقّالان، ص ۲۰ پیشگفتار.
۴. برای اشاره‌ای درباره اهمیت این نکات، ر.ک: جعفری قنوتی، محمد؛ «متمایز از طومارهای دیگر»، نگاه نو، س ۲۷، ش ۱۱۷، بهار ۱۳۹۷، ص ۲۵۱.
۵. فردوسی؛ ابوالقاسم؛ شاهنامه، پیرایش دکتر جلال خالقی مطلق، (تهران: سخن، ۱۳۹۳)، ۱/ ۱۸۷ / ۱۰۸.
۶. ر.ک: امیدسالار، محمود؛ «خداوند این را ندانیم کس»، جستارهای شاهنامه‌شناسی و مباحث ادبی، (تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۱)، صص ۵۵-۶۵.
۷. از جمله، ر.ک: «داستان گرشاسب و زدن او رخام فیل سوار گرد گل‌آبادی»، جنگ اصفهان، دفتر پنجم، تابستان ۱۳۴۴، صص ۹۹-۱۰۶؛ «کاوه آهنگر به روایت نقّالان»، تن پهلوان و روان خردمند، به کوشش شاهرخ مسکوب، (تهران: طرح نو، ۱۳۷۴)، صص ۱۵۱-۱۷۸.
۸. در این باره، ر.ک: طومار نقّالی شاهنامه، مقدمه، ویرایش و توضیحات: سجّاد آیدنلو، (تهران: به‌نگار، ۱۳۹۱)، صص ۶۷ و ۶۸ مقدمه.
۹. ر.ک: هفت لشکر، مقدمه، تصحیح و توضیح: مهران افشاری- مهدی مداینی، (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷)، ص ۸۱۷.
۱۰. ر.ک: تبریزی، محمدحسین بن خلف؛ برهان قاطع، تصحیح دکتر محمد معین، چ ۴، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳)، ج ۳، ص ۱۳۶۰.
۱۱. یکی پورش آمد ز تخمی بزرگ/ به رسم نیا نام کردش طُورگ (اسدی طوسی؛ گرشاسب‌نامه، به اهتمام حبیب یغمایی، تهران: بروخیم، ۱۳۱۳، ص ۴۴، ب ۴).
- شد آن لشکر گشن پیش طورگ رمان چون رمه میش از پیش گرگ (همان: ص ۴۷، ب ۵۵)
۱۲. ر.ک: رستگار فسایی، منصور؛ فرهنگ نامهای شاهنامه، چ ۲، (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹)، ج ۲، ص ۶۶۱ و نیز، ر.ک: دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه، چ ۲ از ویرایش جدید، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷)، ذیل «طورک» و «طُورگ».

۱۳. ر.ک: فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه، تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق، دفتر ششم با همکاری دکتر محمود امیدسالار و دفتر هفتم با همکاری ابوالفضل خطیبی، (تهران: دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۶)، ۱ / ۱۶۱ / ۹ و زیرنویس ۱۶.

۱۴. ر.ک: دوستخواه، جلیل؛ شناخت‌نامه فردوسی و شاهنامه، (تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۴)، ص ۴۵.

۱۵. دراین‌باره، ر.ک: آیدنلو، سجّاد؛ دفتر خسروان، چ ۲، (تهران: سخن، ۱۳۹۴)، ص ۱۰۰.

۱۶. ر.ک: نحوی، اکبر؛ «نقد روایتی از چهارمقاله درباره زندگی فردوسی»، جستارهای ادبی، س ۴۴، ش ۳ (پیاپی ۱۷۴)، پاییز ۱۳۹۰، صص ۱۸۵ - ۲۲۰.

۱۷. درباره این «همی / می» و شواهد آن، ر.ک: حاجی سیّد آقایی، اکرم‌السادات؛ لزوم بازنگری در تصحیح قصص‌الانبیای نیشابوری، آینه میراث، دوره جدید، س ۸، ضمیمه ش ۲۱، ۱۳۹۰، صص ۵۸ و ۵۹؛ فرشیدورد، خسرو؛ فعل و گروه فعلی و تحوّل آن در زبان فارسی، (تهران: سروش، ۱۳۸۳)، صص ۱۹۰ و ۱۹۱.

۱۸. ر.ک: قآنی شیرازی، دیوان، تصحیح دکتر محمدجعفر محجوب، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۶)، ص ۴۱.

۱۹. دراین‌باره، ر.ک: رواقی، علی؛ واژه‌های ناشناخته در شاهنامه، (تهران: بی‌نا، ۱۳۵۵)، دفتر ۲، صص ۲۵ و ۲۶.

۲۰. چو چپ راست کرد و خم آورد راست / خروش از خم چرخ چاچی بخاست

چو سوفارش آمده به نزدیک گوش / ز شاخ گوزنان برآمد خروش (ویرایش دوم دکتر خالقی مطلق، ۲ / ۸۳۶ / ۱۹۳ و ۱۹۴)

۲۱. ر.ک: سام‌نامه، تصحیح دکتر وحید رویانی، (تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۲)، ص ۱۱۵.

منبع: ماهنامه جهان کتاب، سال بیست و سوم، شماره ۳۶۱ (پیاپی ۳۶۳) خرداد- مرداد ۱۳۹۸.